

# تعلیم و تربیت در ایران باستان

## بخش سوم: اهمیت تشکیل خانواده

پژوهشگر: فروغ شاهرودی (فوق لیسانس فرهنگ و زبان‌های باستانی)

ادامه از شماره گذشته

۲- تعلیم و تربیت عمومی چنان که بیان شد، مرحله دوم تربیت کودکان، بین هفت تا پانزده سالگی بوده است. در این سال‌ها، افراد به فراگرفتن علوم، ادبیات و دروس مذهبی، سواری و تیراندازی می‌پرداختند. مرحله اول و دوم تعلیم و تربیت برای دختران و پسران یکسان بود، اما از مرحله سوم تغییر می‌کرد.



سال‌های آموزش عمومی از

آن جهت حایز اهمیت بود که حاصل آموزش‌ها و تحصیلات

در این دوران، افراد را برای ایفای نقش آینده در اجتماع آماده می‌کرد. برنامه و روش آموزش در این دوره چنان بود که علاوه بر یاد دادن و خواندن و نوشتن، افراد تعلیمات اخلاقی را نیز فرا می‌گرفتند. شاگردان برای یاد گرفتن و به حافظه سپردن بندهای طولانی سرودهای مذهبی مثل

سن تربیت کودکان از آغاز زندگی و سن آموزش آن‌ها از شش سالگی آغاز می‌شد و تا ۱۵ سال ادامه داشت.

البته این امر برای کسانی بود که احتیاج به کمک فرزندان خود در امر معیشت نداشتند. کسانی که این مدارس را طی می‌کردند وارد طبقه‌ی جوانان می‌شدند. اما کسانی که تعلیم و تربیت ندیده بودند نمی‌توانستند وارد جرگه‌ی آنان شوند. هم‌چنین کسانی که دوران جوانی را در جرگه‌ی این جوانان طی کرده بودند می‌توانستند وارد رسته‌ی مردان کامل شوند و

به مناصب و افتخارات عمومی نایل آیند.<sup>۳</sup> گزنفون هم‌چنین آموزش‌های این مرحله را نام می‌برد و می‌نویسد: «فرزندان به مکتب می‌رفتند تا ادب بیاموزند. هم‌چنین آداب خوردن و نوشیدن و قناعت در خوراک را نیز می‌آموختند. علاوه بر این، اطفال مجاز نبودند با مادران خود غذا صرف کنند، بلکه در خدمت مربیان و در ساعاتی که مقرر نموده بودند غذا صرف می‌کردند. تیراندازی و پرتاب نیزه نیز اجباری بود.»<sup>۴</sup>

گاتاها، بایستی همه با هم و با آهنگ یکسان می‌خواندند.<sup>۱</sup> به علاوه، دانش‌آموزان به آموزش‌های عملی که برخی از آن‌ها مانند کشاورزی و درخت‌کاری تفریحی نیز بود، می‌پرداختند. «از آنجا که در دوره هخامنشی، به جوانان کار آمد پاری برای امور مختلف کشورداری، احتیاج بود، به نظر می‌رسد که ورود به مدارس نیز آزاد بود.»<sup>۲</sup>

گزنفون xenophanes در «کوروش نامه» می‌نویسد: کلیه‌ی افراد ایرانی مجازند فرزندان خود را به مدارس عمومی بفرستند.

۳ کوروش نامه، ص ۹ و ۱۰  
۴ همانجا ص ۷ و ۶

۱ همانجا، ص ۹۰  
۲ سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، ص ۱۸۶

## سواد آموزی

درباره میزان سوادآموزی در میان طبقات مردم ایران باستان نظریات متفاوتی وجود دارد. اما از آنجا که سرودهای مقدس گاتاهای در مراسم مذهبی خوانده می‌شد، به نظر می‌آید که در دوران قبل از مادها، ایرانیان از سواد خواندن و نوشتن برخوردار بودند.

در شیوه‌های آموزشی و تربیتی هیچ‌گونه اختلافی بین دختران و پسران نبوده است.

با تشکیل دولت‌ها در ایران، خطرهای حکومتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به تدریج شکل گرفته و موجودیت پیدا می‌کنند. این دولت‌ها با دولت ماد در اواخر سده هشتم پیش از میلاد وارد تاریخ می‌شوند. اگر چه هورودوت و کتزیاس عمده‌ترین گزارش‌کنندگان تاریخ ماد، اطلاعات مورد نیاز و کاملی را در زمینه‌ی توان سواد و خط‌نگاری مادها به دست نمی‌دهند، ولی شاهان ماد نام‌های ایرانی دارند و واژه‌هایی که از مادها گزارش شده است، ساختار ایرانی دارند. به دنبال شاهان ماد، شاهان هخامنشی به قدرت می‌رسند که از میان آن‌ها شاهی چون داریوش اول، خشایارشا، اردشیر اول با شیوه‌هایی همسان در امر کتیبه‌نگاری، شرح حال خود

و کشور را به رشته‌ی تحریر در آورده‌اند. «برخی از پژوهش‌گران معتقدند، خط میخی فارسی باستان توسط مادها و

پارس‌ها از خط آشوری اقتباس شده است.<sup>۵</sup> تندور - نولدکه، خط میخی هخامنشی را گرفته شده از مادها می‌داند و این ادعا که مادها توان نوشتن نداشته‌اند از نظر این خاورشناس مردود است. او می‌گوید دور از گمان به نظر می‌رسد که دولت ماد یعنی از پای در آورنده یکی از نیرومندترین حکومت‌های روی زمین یعنی امپراتوری آشور، توان نگارش و خط نویسی نداشته باشد. از سوی دیگر، پارس‌ها بدون گرفتن میراث نوشتن از مادها نمی‌توانستند در کوتاه زمان ممکن صاحب هنر نوشتن آن هم به این درجه‌ی پیشرفت شوند.<sup>۶</sup> به هر حال، چنین می‌نماید که مادها در عرضه و انتقال سواد آموزی به هخامنشیان خدمات شایانی انجام داده‌اند.



تمام گروه‌های اجتماعی می‌توانستند فرزندان خود را به مدارس عمومی و رایگان بفرستند و هیچ مانعی بر سر راه آموزش کودکان وجود نداشت.

گفته می‌شود از برنامه‌های تربیت و تعلیم آن دوره، خواندن و نوشتن و حساب که به عده معدودی مانند فرزندان بزرگان و نجیب‌زادگان و موبدان که بیشتر برای فرماندهی سپاه و حکمرانی و دادرسی و نگاهداری دفاتر دیوان و حساب و مالیات تربیت می‌شدند، آموخته می‌شد.<sup>۷</sup>

اما با توجه به مراحل آموزش و شواهد دیگر، شاید بتوان گفت که «آموختن الفبا و خواندن و نوشتن و حساب برای همه‌ی کودکان از هر دسته و طبقه یکسان بوده و در مراحل بالاتر، برحسب موقعیت‌های اجتماعی خانواده‌های دانش‌آموزان، رشته‌ی درسی، طرز آموزش و محل آن متفاوت بوده است. بدین توتیب هر شاگردی به فراخور حال و طبقه‌ای که بدان منتسب بوده، آموزش مخصوص به خود می‌دیده است.

به ظاهر فلسفه و علت این تفاوت در روش آموزش، رعایت مقررات طبقاتی و همچنین مراعات توارث حرفه‌ای و حفظ صنایع دستی و فنون تخصصی بود. در واقع شاگردان فنون و رشته‌های

۶ جایگاه زبان‌های باستانی ایران در میان زبان‌های هندوآریمن، ص ۱۶۲  
۷ تاریخ فرهنگ ایران، ص ۵۶

۵ تمدن هخامنشی، ص ۷۴



علاوه جوانان را عادت می‌دادند صبح زود از خواب برخیزند. از فصل سرما و گرما بیمی به خود راه ندهند. به پیاده‌روی عادت کنند. در اسب سواری و تیراندازی ماهر شوند. جوانان به هنگام شکار غذای اندکی با خود بر می‌داشتند تا به پیش آمدهای جنگی خو بگیرند و در صورت ضرورت تحمل داشته باشند. بدین ترتیب پس از ده سال جوانان وارد جرگه‌ی مردان کامل می‌شدند.<sup>۱۱</sup>

مادها اگر چه بخش بزرگی از تاریخ ایران پیش از پادشاهان هخامنشی را تشکیل می‌دهند، اما حلقه‌ای مفقوده ارتباط آن‌ها را با تاریخ ایران گسسته است.

البته تا مرحله‌ی سوم، آموزش برای دختران و پسران یکسان بود ولی در مرحله‌ی سوم تفاوتی ظاهر می‌شد که بستگی به وظایف آنان در آینده زندگی‌اشان داشت. دختران را برای آموزش امور خانه‌داری و مرافبت از فرزند به ناچار از پسران جدا می‌کردند. پسران نیز پیش‌تر حرفه‌ی خاص طبقه‌ی خانوادگی خود یا به عبارتی دیگر شغل پدر خود را می‌آموختند.

بدین توتیب همان‌گونه که پادشاهی توارثی بود، حرفه‌ها و مشاغل نیز چنین بود و قرن‌ها، فنون و حرفه‌ها به صورت ارثی در خانواده‌ها باقی می‌ماند. این امر به ظاهر به علت رعایت مقررات طبقاتی بود.

ادامه در شماره آینده

### مقام و اهمیت آموزگاران در آموزش‌های عمومی و اختصاصی از مقام پدران و مادران بالاتر بود.

برای آنان در نظر گرفته شده است. این مراسم و تشریفات به نام جشن کمربندان یا کشتی بندان معروف بود. «پسر را در پایان پانزده سالگی و در حضور عده زیادی از میهمانان به دست یکی از بزرگان دینی یا اجتماعی، به زیور کلاه‌خود، زره، شمشیر و کمربند چرمی می‌آراستند. از آن پس او حق داشت در صف مردان به شکار و پیکار پردازد». علاوه بر آن او موظف بود اعمال و وظایف دینی را با دقت انجام دهد.

گزنفون می‌نویسد: «پس از سن بلوغ، افراد به پاسداری از بناهای دولتی می‌پرداختند و هر ماه چند بار در رکاب شاه حرکت می‌کردند و با خود کمان و سلاح حمل می‌کردند. شکار در نزد ایرانیان مدرسه‌ی جنگ بود. به

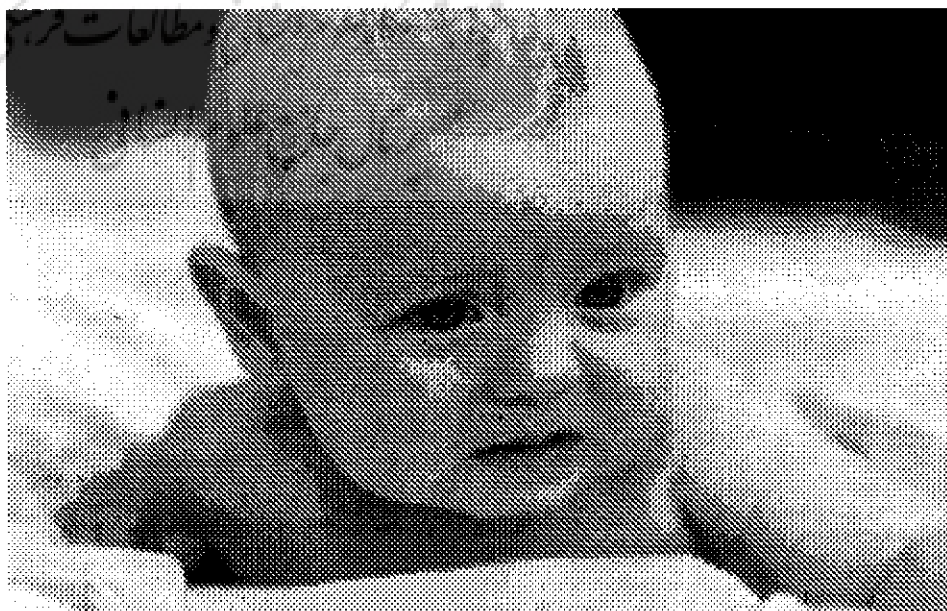
مربوط به حرفه‌ی پدران خود را می‌آموختند و دنبال می‌کردند.<sup>۸</sup>

### دانش آموزان

دانش آموزان در ایران باستان به سه دسته تقسیم می‌شدند: دانش آموزان خاص، دانش آموزان حرفه‌ای، دانش آموزان عمومی. «دانش آموزان خاص شامل شاهزادگان و بزرگ‌زادگان بودند. دانش آموزان حرفه‌ای شامل فرزندان مغان، موبدان، پیشه‌وران، کشاورزان و صنعت‌گران بودند. دانش آموزان عمومی شامل فرزندان آموزگاران، مأموران دولتی و بازرگانان بودند». کلیه‌ی این دانش‌آموزان به دو دسته‌ی پسران و دختران تقسیم می‌شدند.

### ۳- آموزش و پرورش اختصاصی

مرحله‌ی سوم تعلیم و تربیت افراد از سن ۱۶ تا ۲۵ سالگی بود. تا پایان ۱۵ سالگی، سن بلوغ پسران است که مراسم و وظایفی ویژه



۸ آموزش و پرورش در ایران باستان، ص ۳۷۴

۹ آموزش و پرورش در ایران باستان، ص ۳۷۵

۱۰ آموزش و پرورش اسلام و ایران، ص ۸۹

۱۱ کوروش نامه، ص ۷